

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

سید ملک

۱۶ اگست ۲۰۲۰



سید ملک

بحثی بر روان، جسم و روح

دیروز ویدیوی یک دکتور روان شناس افغان را دیدیم که در مورد وابستگی آرنگاه روانشناسی صحبت می کرد دیدگاه من

شادمی کردیم چراغ هر که روشن می شود. آنهم هر هموطنی که در هر ساحه می درخشد دیده ام روشن می شود

روانشناسی در جهان متمدن در قرن هژده پدید آمده و در روانشناسی غرب همان گوس یا غوث در عربی و در شرق پاولف روسی سرآمد دانسته می شوند. اما تحقیقات من نشان می دهد که سابقه اش در خراسان یا افغانستان کنونی افرادی را چون مقدسی و غیره داده است. یعنی

عشق را ما دلبری آموختیم شیوه مشاطگی آموختیم

امامن شخصاً چیزی به نام روان معتقد نبوده و تمام آن را محصول فعالیت مغزی می دانم که هنوز فعالیت میلیارد ها سلول مغزی کشف نشده است. دلیلی که من می آورم اینست که اگر روان موضوع مجزا باشد چطور می شود که با تمرینات جسمانی و تأثیرات بر سلول مغز تغییرات بهبودی در فرد پیدا می شود یعنی این مغز ناشناخته شده است که از تأثیر دوا و تمرین بهبود حاصل می کند در مورد روح نظرم اینست. چون بارها علماء ترکیبیات کامل وجود را به شمول پروتیین ها یکجا نموده اند و هرگز حرکتی پدیدار نشد.

بناءً شاید روحی باشد که در تورات و قرآن تفکر در مورد ممنوع است و در قرآن در حیطه خدا دانسته شده است و در مورد تیوری های متعدد وجود دارد که من طرفدار تیوری آفتاب و آئینه می باشم. یعنی اگر جهان مملو از آئینه های کوچک باشد. تجلی نور آفتاب باعث روشنی همه آئینه ها می شود اما بخشی از آئینه ها نیست.

این داستانهای خودساخته و پرداخته را که روح پرواز و در آسمان یابیهست یا... می باشد را نمی توانم قبول کنم چه در قرانی که سه ماه مصروف تحقیق آن بودم ندیده ام و از جانبی بعد از مردن بعضی پرنده های وجود مانند گوش که ضرورت به اکسیژن ندارند تا چند روز زنده و ویدیویی از علمای استرالیا دیدم که نشان می داد که بعد از دو نیم ماه در قبر پای متوفی بعضاً حرکت می کرد و دلیل دیگری که من می آورم اینست، بعد از کشتن حیوانات توده های گوشت بعضاً پرش داشته یعنی زنده اند. چطور می شود که روح تقسیم شود

مسائل رابه خاطری تذکر دادم که فرضیه های متفاوت بر سر مردم کلاه مانده اند با ز آمدنت نیست که رفتی رفتی

دو روزه عمر این همه افسانه ندارد. آن را غنیمت شمار که زندگی همین یکبار است در مورد خدا و روح باید گفت:

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند

از آنجائی که من به وجود خدا نظر با دلیل خیلی ساده اما مستحکم باور دارم. امانی دادم چه است

معشوق چون نقاب زرخ بر نمی کشد هریک چهره ای به تصور کشیده آند

به صفات آن یعنی پاکی درونی آراسته بودن بهتر از دویدن در راهای متفاوت بی نتیجه و کشتن و بستن بر سر برداشت هاست

خوب گفته آمد:

یک قلب پاک بهتر از همه معابد جهان است که متأسفانه خیلی کم اند

بقول ابو الحسن خرقانی، بهترین چیز در جهان، قلبی است که در آن بدی نباشد

به قول خیام

بازیچه کفرودین به طفلان بگذار بگذر ز مقامی که خدا هم حرف است